

## ضرورت ایجاد شورای همکاری فعالین و تشکل های مستقل جنبش کارگری

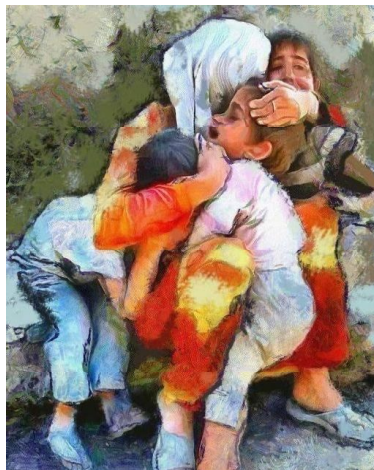
روز شنبه نهم دی ماه ۱۴۰۲ صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: «در هشتمین روز از اعتصاب قدرتمند ما، نمایندگان ما، که به واسطه خرد جمعی و با پشتوانه قدرت اتحاد سه هزار نفره در جلسه شرکت کرده بودند، توانستیم بخش مهمی از مطالبات اعتصاب را به شرح زیر به دست آوریم:

اجرای تقریباً نیمی از طرح طبقه بندی مشاغل برای تمام کارگران به ارزش ده میلیون تومان ماهانه بصورت علی الحساب تا اجرای کامل طرح؛ رفع انسداد کارت ها و بازگشت به کار ۳۸ نفر از همکاران حق طلب تعلیقی؛ اختصاص مبلغ یاد شده به کارگران شرکت شفق.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز همچنین در این اطلاعیه تأکید کردند که « رسیدن به این دستاوردهای بزرگ و تحقق بخش قابل توجهی از حق و حقوقمان را مدیون همبستگی مثال زدنی و اعتصاب یکپارچه کارگران شریف و زحمتکش گروه ملی فولاد اهواز می دانند. و در خاتمه بر پیگیری دیگر خواسته هایشان مبنی بر تبدیل وضعیت همکاران شفق از پیمانی به قراردادی، بازگشت به کار کریم سیاحی همکار اخراجی و خلع مالکیت شرکت از بانک ملی و مشارکت کارگری در مدیریت» تأکید کردند.

اعتصاب شکوهمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز، تداوم اعتراضات کارگران در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی، اعتصاب قدرتمند کارگران ذوب آهن اصفهان، همزمان با تداوم یکشنبه ها، دوشنبه ها و سه شنبه های اعتراضی و سراسری بازنشستگان نشان از آن دارد که خیزش انقلابی ژینا بر متن تعمیق بحران اقتصادی و شکاف طبقاتی چگونه زمین سیاسی ایران را برای پیشروی جنبش کارگری ایران شخم زده و تقویت کرده است و چگونه گرایش و میل درونی

## نگاهی به پاره ای از رویدادهای جهان در سال ۲۰۲۳ میلادی



## نباید به رژیم اسلامی اجازه داد تا به بهانه مقابله با تروریسم فضای سرکوب را تشدید کند!

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در محکومیت عملیات تروریستی در کرمان!

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

## زنده باد اعتصاب!

از اعتصاب کارگران مبارز فولاد اهواز حمایت کنیم!



## رژیم اسلامی با موج اعدام ها نمی تواند ترس خود را پنهان کند!

## کارگران و مردم مبارز ایران مضحکه انتخابات رژیم

را به شکست می کشانند!

## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تلفن با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تلفن با  
کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکشا)

takesh.komalah@gmail.com

باید برای ایجاد این تشکل ها آستین ها را بالا زد. کارگران بنا به موقعیتی که در روند تولید اجتماعی دارند و بنا به موقعیتی که در کارخانه و مراکز تولیدی از آن برخوردار هستند، بخاطر خصلت جمعی تولید و منافع مشترک شان، بخاطر استعمار شدید و بی حقوقی ای که هر لحظه به آنان تحمیل می شود به مبارزه روی می آورند و در روند این مبارزه به ضرورت ایجاد تشکل و سازمانی می رسند. سرمایه داران و رژیم اسلامی حامی آنها چه بخواهند و چه نخواهند، کارگران این امر را پیش می برند. بر پایه همین زمینه های عینی است که اعتصاب و مبارزه به بخشی از زندگی روزمره کارگران تبدیل شده است. این مبارزه هر چند گاهی نهان انجام می گیرد اما بدون انقطاع در جریان است، و بر اساس همین واقعیت است که تلاش برای متحد کردن صف مبارزه و تشکل یابی کارگران از جانب فعالین و پیشروان این طبقه به یک امر عینی تبدیل شده است.

تجربه یکشنبه ها، دو شنبه ها و سه شنبه های اعتراضی و سراسری بازنشستگان که چند ماه است ادامه دارد، اعتصابات و اعتراضات سراسری معلمان بار دیگر نشان داد که از پیش شرط های به هم مرتبط شدن و سراسری شدن اعتراضات و اعتصابات کارگری، مطالبات مشترک و وجود تشکل و سازمان سراسری است. در شرایط کنونی همین فقدان تشکل های توده ای و طبقاتی سراسری کارگران است که مانع به هم مرتبط شدن و سراسری شدن اعتصابات و اعتراضات کارگران در مجتمع های صنعتی، مراکز تولیدی و خدماتی مختلف شده است. با توجه به نبود تشکل های توده ای و طبقاتی، این وظیفه بر دوش تشکل های مستقل کارگری موجود و رهبران و فعالان کارگری در مراکز مختلف کارگری قرار گرفته است. تشکل های مستقل کارگری و رهبران و فعالینی که در کانونهای داغ مبارزه کارگران حضور دارند و از روابط زنده و ارگانیکی با کارگران برخوردار هستند، می توانند در ارتباط و پیوند با هم تشکل و نهادی مانند شورای همکاری تشکل های مستقل و فعالان کارگری را ایجاد کنند. این شورای همکاری می تواند تشکل سراسری معلمان و بازنشستگان و دیگر تشکل های مستقل کارگری و هم رهبران و فعالین دیگر بخشهای طبقه کارگر را در بر گیرد. ایجاد چنین نهادی اگر چه نمی تواند جایگزین تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران در محیط های کار و سازمان سراسری کارگران گردد، اما در شرایط کنونی می تواند تا حدودی خلاء نبود تشکل های توده ای، طبقاتی و سراسری کارگران را پر کرده و نقش خود را جهت به هم پیوند زدن و سراسری کردن اعتصابات و اعتراضات کارگری ایفا نماید.

کارگران برای مبارزه را شدت بخشیده است. گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران در حالی که خط فقر در تهران به ۳۰ میلیون تومان و در شهرستان ها به بالای ۲۵ میلیون تومان در ماه رسیده است، نشانه لبریز شدن کاسه صبر و تحمل کارگران است. به رغم این اوضاع اقتصادی و شرایط فلاکتباری که به کارگران و اکثریت جامعه تحمیل شده است، رژیم جمهوری اسلامی حاضر نیست بهبودی جدی در زندگی کارگران و فرودستان این جامعه ایجاد کند. رژیم جمهوری اسلامی بشدت می ترسد از اینکه کوچکترین عقب نشینی از سیاست های تا کنونی اش، به روحیه تعرضی در جنبش کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی دامن بزند و به از هم گسیختگی کامل نظم سیاسی حاکم بیانجامد. بنابراین گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران اجتناب ناپذیر است چون در برابر سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و کارفرمایان و صاحبان صنایع، کارگران غیر از ادامه مبارزه هیچ راه دیگری پیش رو ندارند.

تجارب جنبش کارگری در ایران و جهان نشان داده است که اعتصابات و اعتراضات کارگری بستر مناسبی را برای تشکل یابی طبقه کارگر فراهم می آورند. تشکل توده ای و طبقاتی و مستقل از دولت کارگران محصول مبارزه است. تشکل یابی طبقه کارگر نمی تواند درخلاء انجام گیرد. اعتصاب که ابزار مبارزه دسته جمعی کارگران و مدرسه ای برای آموزش طبقه کارگر و پیشروانش در مبارزات سرنوشت سازی است که پیش رو دارد، در همانحال وسیله و مکانیسمی است که کارگران در ابعاد توده ای از طریق آن به ضرورت متشکل شدن پی میبرند. معلمان ایران در جریان اعتراضات و اعتصابات پیگیرانه خود تشکل های محلی و سراسری را ایجاد کردند و در جریان مبارزه آن را تکامل دادند. بازنشستگان در جریان مبارزه ای سنگر به سنگر درجه ای از سازمان پیدا کرده اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت محصول مبارزه کارگران در این مجتمع صنعتی است. کمیته های اعتصاب در آن مراکز تولیدی که به کانون اعتراض و اعتصاب تبدیل شده اند محصول مبارزات جاری کارگران بوده اند. کارگران هفت تپه در دل مبارزات و اعتصابات شکوهمند خود با برگزاری منظم مجامع عمومی به عنوان پایه تشکل شورایی، با دخالت دادن مستقیم کارگران در تصمیم گیری ها، با انتخاب نمایندگان خود برای پیگیری خواسته هایشان، نشان دادند که ایجاد شوراهای کارگری امری ممکن است. این تجارب نشان می دهند که نباید ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای و مستقل از دولت کارگران را به بعد از سرنگونی رژیم اسلامی موکول کرد، بلکه

نصرت تیمورزاده

## نگاهی به پاره ای از رویدادهای جهان در سال ۲۰۲۳ میلادی



هدف این نوشته پرداختن به همه رویدادهای جهان در سالی که گذشت نیست. بیش از همه کوشش این است که با اشاره به مهمترین تحولات، دریافت که جهان با چه مخاطراتی روبروست و رهایی از نتایج هولناک این مخاطرات در گرو کدام پاسخ است.

### تشدید رقابت ها

#### و ورود به جنگ گرم

مدتها بود که همه از جنگ سرد صحبت میکردند. بازیگران اصلی این جنگ سرد، آمریکا، اروپا، ناتو، روسیه و چین آشکارا در مقابل هم صف آرایی کرده و این جنگ را در همه حوزه ها به پیش می بردند. از جنگ تجاری تا تحریم های اقتصادی، از امضاء تفاهم نامه ها با متحدین و اعلام پیمان های جدید تا جنگ رسانه ای و آماده باش نظامی، از گفتگوهای بایدن و پوتین تا اجلاس ویژه ناتو، از تمرکز نیروهای نظامی روسیه در مرز اوکراین تا مانورهای نظامی آمریکا و متحدینش در منطقه پاسیفیک و... عرصه های گوناگون تشدید رقابتها که بیان آشکار این جنگ سرد بودند.

اما تجاوز نظامی روسیه به اوکراین اولین پیامش این بود که دوره جنگ سرد پایان یافته و جهان به دوره ای از جنگ گرم گام گذاشته شده است. و این البته چندان غیر مترقبه نبود. ماهها بود که بازیگران اصلی این جنگ و جدال ها به یکدیگر هشدار میدادند. دو ماه نیم قبل از حمله روسیه، وزرای خارجه ناتو در اجلاس فوق العاده ای برای بحث "در باره انگیزه های احتمالی مسکو در استقرار نیرو در نزدیکی مرز اوکراین در "ریگا" پایتخت لتونی گرد هم آمدند. در آن گردهمایی آنان هشدار دادند "که در صورت تجاوز نظامی جدید به اوکراین، روسیه بهای گزافی خواهد پرداخت". همزمان دبیرکل ناتو به خبرنگاران گفته بود که "اگر روسیه بار دیگر از زور علیه استقلال کشور اوکراین استفاده کند، هزینه زیادی باید بپردازد". پوتین هشدار ناتو را بی جواب نگذاشته و بلافاصله بیان داشت که "اگر ناتو به رهبری آمریکا موشک هایی در اوکراین مستقر کند که بتواند در عرض چند دقیقه مسکو را مورد حمله قرار دهد، روسیه مجبور میشود تلافی کند".

با تجاوز روسیه به اوکراین دیگر بدون اغراق میتوان گفت که آنچه که سیمای جهان را بیش

از همه به تصویر میکشد، بحران های تو در توست که همزمان جریان دارند. واقعیت این است که دستکم در نیم قرن گذشته جهان چنین با هرج و مرج و نا آرامی روبرو نبوده است. جنگ های نیابتی، کودتای نظامی در مالی، نیجر و گینه بیسائو و اخراج نیروهای نظامی سازمان ملل پس از استقرار دهسال از این کشورها و جایگزینی آن با نظامیان و شبه نظامیان وابسته به روسیه، سقوط برخی از دولت های پرو غرب در آمریکای جنوبی از جانبی و سر کشیدن همتای ترامپ در آخرین ماه سال در شیلی از جانب دیگر، عروج جریانات به غایت راسیستی و نئوفاشیستی در فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، نسل کشی تمام عیار در نوار غزه، انهدام محیط زیست و شتاب گرفتن سونامی ها از یک سو و خشکسالی از سوی دیگر، بحران پناهندگان و افزایش آمار گرسنگان جهان، جنگ های تجاری بین آمریکا و اروپا با چین و خطر تقابل نظامی طرفین در تایوان، رقابت تسلیحاتی و خطر جنگ های بزرگ تر نمونه هایی از سیمای جهان معاصر در سال های آغازین دهه سوم هزاره سوم است.

هنوز جهان از بحران کرونا و پیامدهای آن رهایی نیافته بود که جنگ در اوکراین، بیرحمانه ترین بیان رقابت قطب های امپریالیستی را به تصویر کشید. و اکنون با گذشت بیش از بیست و دو ماه از آغاز آن جنگ هنوز هیچ دورنمایی برای پایان این رقابت جنگی قطب های امپریالیستی متصور نیست. "کارل فون کلازویچ" به مثابه یکی از برجسته ترین تئوریسین های جنگ حق داشت زمانی که گفت "اولین قربانی در جنگها حقیقت است". در این قربانی شدن حقیقت آنچه که قرار است افکار عمومی جهان را به سود این یا آن طرف جدال در اوکراین سازمان دهد از صبح تا شام و با آخرین و مدرنترین امکانات مدیائی به میدان آمده است. بطوریکه به سختی می توان تصاویر واقعی را از تصاویر دروغین از میان کوهی از



تبلیغات بیرون کشید. همه جا اینگونه تبلیغ می شود که گویا همه مصائبی که تمامی جغرافیای جهان را در بر گرفته، با هجوم روسیه به اوکراین آغاز شده است. و مردم جهان باید این به اصطلاح تقلب و ریاکاری آشکار را به مثابه حقیقت مطلق بپذیرند. و گویا قبل از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین "ابدیت سرمایه داری" نظمی بر مبنای قواعد شناخته شده جهانی مستقر ساخته بود و اکنون روسیه این نظم را به هم ریخته است. در این روایت به شدت کاذب و ریاکارانه گویا همه وقایع بدون مقدمه و تاریخ شکل می گیرند و البته در این میان آنچه که گم میشود ماهیت و جوهر واقعی این وقایع است. همه طبقات، همه جنبش ها و همه نیروهای اجتماعی در چهارچوب این وقایع به اصطلاح ناگهانی از دیده ها پنهان می مانند. پوتین میشود بزرگترین جنایتکار تاریخی و سخنی از آن رهبران به اصطلاح دنیای آزاد غرب که در همین هزاره سوم خاک عراق، سوریه، لیبی، افغانستان را به توبره کشیده و هزاران برابر بیش از قربانیان اوکراینی مردمان این جوامع را نابود کردند، منادیان دفاع از دموکراسی لقب میگیرند. تبلیغات کر کننده مدیای غرب که گویا جنگ اوکراین "جنگ میان دموکراسی و استبداد است" ذره ای حقیقت ندارد. اگر در یک سو ناسیونالیسم عظمت طلب امپریالیسم روسیه قرار گرفته است. در سوی دیگر دستکم از زمان به اصطلاح "انقلاب میدان" فاشیستها نقش برجسته ای در دولت، ارتش و دستگاه اداری اوکراین داشته اند. یادمان نرفته است که در دولت بعد از "انقلاب میدان" سه تن از وزیران، معاون رئیس جمهور و دادستان کل از فاشیستهای شناخته شده بودند. همانهایی که همه ساله تولد رهبر فاشیست های اوکراینی در جنگ جهانی دوم "باندرا" را همچنان جشن میگیرند و مجسمه های او در تعدادی از شهرها دیده میشوند. آنان در سال ۲۰۱۴ مسئول حمله به دفتر اتحادیه کارگری و آتش زدن آن در "اودسا" بودند که ده ها تن جان باختند. آنها هم اکنون هم به نام باتلیون "آزوف" نقش ویژه ای در ارتش داشته و مسئول محاصره و کشتن هزاران تن از اهالی "دنباس" در شرق اوکراین از سال ۲۰۱۴ به این سو بوده اند.

یادمان نرفته است که تا قبل از تجاوز





زندگی کرده اند، به سوی آن چیزی می روند که برایشان قابل دسترس است. و این آن فاجعه ای است که در نوار غزه با پیروزی حماس در مقابل جریان فاسد الفتح در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاده است.

دولت اسرائیل آنچنان نگاه تحقیر آمیزی به حماس داشت که تصور نمی کرد آنان در شرایطی باشند که از دیوارها عبور کرده و سامانه "گنبد آهنین" یعنی سامانه پدافند هوایی اسرائیل را از کار انداخته و عده ای را کشته و عده ای را به گروگان بگیرد. فارغ از بعد جنایت حماس آنچه که معلوم گشت این بود که سیاست اشغال و تهاجم های پایایی و بمباران غزه توانسته اند امنیتی را که دولت اسرائیل همواره یادآور میشود ببار آورند. نتانیاهو بلافاصله در همان هفتم اکتبر اعلام کرد که ما در جنگ هستیم و این اولین بار بود که دولت اسرائیل در درگیری با حماس سخن از جنگ میراند. این جنگ اکنون با گذشت نزدیک سه ماه با سبعیت بی نظیری ادامه دارد. تا کنون بیش از پانصد تن بمب در نوار غزه بر سر اهالی آنجا ریخته شده است. هیچ گوشه ای در غزه از این بمبارانها در امان نیستند. ساختمان های مسکونی، مدارس، بیمارستان ها و هر جایی که مردم پناه می برند، مورد حمله قرار می گیرد. نیروهای زمینی دولت اشغالگر مسیر عبور خود را پاک سازی می کنند و آنچه باقی می ماند، زمین سوخته ای بیش نیست. در برابر این جنگ هولناک تمام دولتهای امپریالیستی غرب در پشت اسرائیل قرار گرفته و به بلند گوی تبلیغاتی دولت نژاد پرست تبدیل شده اند. دولت اشغالگر حق یافت که برای به اصطلاح دفاع از خود به هر جنایتی دست بزند. و همه دول امپریالیستی آگاهانه فراموش کردند که به زمینه واقعی این جنگ هولناک که ریشه در تاریخ بیش از هفتاد و پنج سال اشغال دارد، پردازند. واقعیت این است که همان دولت های غربی که اکنون در دفاع از اسرائیل گوی سبقت از یکدیگر میرایند و به خصوص اروپائیان در سرکوب یهودیان بیش از چند قرن مسئولیت دارند. بیش از همه هولناک ترین جنایت قرن گذشته توسط نازیها تحت عنوان "حل نهایی مسئله یهود" بار سنگینی برای غرب است. و در این میان این فلسطینیها هستند که باید تاوان نتایج خونبار این ستمگری طولانی را بدهند، ملتی که هیچ نقشی در این ستمگری تاریخی نداشته اند.

واقعیت این است که شکل گیری دولت اسرائیل یک پروژه امپریالیستی بوده که باید در یکی از حساس ترین مناطق جهان نقش حافظ منافع دول سرمایه داری غرب را

جهانی اول، نه هیتلر در جنگ جهانی دوم، نه هیچکدام از رؤسای جمهور آمریکا که فرمان جنگ را صادر کردند، تصور شکست را نداشته و در سودای کسب بازارهای جدید و سود آوری سرمایه به اصطلاح ملی شیپور جنگ را نواختند در همه این جنگها تبلیغات کر کننده در دفاع از "منافع ملی" در دفاع از "دمکراسی" در بوق و کرنا دمیده شده و میلیونها انسان در پشت این به اصطلاح الفاظ دهان پر کن به خط کشیده شده و قربانی شدند. یقین باید داشت که جنگ نیابتی در اوکراین نتایج دیگری را ببار نخواهد آورد.

### جنگ اسرائیل علیه فلسطین

در هفتم اکتبر درست یک روز بعد از جشن پنجاه سالگی "یان کیپور" که مصر و سوریه به اسرائیل برای باز پس گرفتن سرزمینهای اشغال شده در جنگ شش روزه، حمله کرده بودند، حماس دیوار امنیتی اسرائیل را شکافت. آنچه را که حماس انجام داد اوج توحش یکی از جریانات اسلام سیاسی بود و ما این نوع توحش را قبلا هم دیده بودیم. توحش بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی، توحش داعش در سوریه و عراق، طالبان در افغانستان، بوکوحرام و الشباب در سومالی و سودان. حماس یک جریان تروریستی اسلامی است. ولی جریانات تروریستی در بستر یک پیش زمینه شکل می گیرند. دولت اسرائیل از سال ۲۰۰۵ از غزه خارج شده ولی همچنان بیش از دو میلیون انسان را در یک زندان بدون سقف و در مساحتی به وسعت سی و شش کیلومتر مربع نگه داشته و در پی پرتاب هر موشک از غزه، دولت اسرائیل آن جا را بمباران کرده، هزاران نفر از مردم عادی را به قتل رسانده و آنان را از دسترسی به آب، برق، سوخت، مواد غذایی و داروئی محروم کرده است. زمانی که برای یک مدت طولانی مردمی محاصره می شوند و یک بدیل نیرومند و پیشرو حضور ندارد، در این صورت زمینه برای به میدان آمدن جریانات ارتجاعی فراهم گشته و مردمی که بسیاری از آنان چندین نسل در اردوگاه ها



روسیه به اوکراین، این کشور از جمله فاسدترین کشورهای جهان بوده و درست به همین علت اتحادیه اروپا از پذیرفتن آن خودداری می کرد و اکنون همین دولت فاسد از زبان دولتمردان اروپائی برای به اصطلاح "ارزش های اروپائی" میجنگد. همان به اصطلاح ارزش هائی که اروپا برای حفظ آن همه ساله هزاران مهاجر را در سواحلش قربانی می کند تا قلعه اروپا بی حفاظ نماند. همان ارزشهای اروپائی که به نام آن برای ممانعت از ورود پناهجویان به قلعه اروپا کتیف ترین معامله با دیکتاتورهای چون اردوغان انجام میگیرد و یا طرح باز گرداندن پناهجویان به کشورهای آفریقایی از جمله "رواندا" و به اسارت گرفتن آنان در این کشورها به تصویب میرسند.

در این جنگ نیابتی تنها امپریالیسم آمریکا بیش از یکصد و ده میلیارد دلار کمک تسلیحاتی به اوکراین نموده و کشورهای اروپائی نیز نزدیک به پنجاه میلیارد دلار هزینه کرده اند. در این جنگ اما تنها این اهالی اوکراین نیستند که در بعد میلیونی آواره می گردند. پیامدهای این جنگ همه مرزهای جغرافیای جهان را پشت سر گذاشته است. تورم و افزایش قیمت کالاهای اساسی قبل از همه حلقوم میلیاردها انسانی را فشار میدهد که حتی بدون این جنگ وجدالها هم باید برای کسب لقمه نانی مبیایست بکنند و همزمان بوی تعفن راسیسم و "میهن پرستی" در همه حوزه های اجتماعی مشام انسان را آزار میدهد.

ساده انگاری است که اگر تصور کنیم جنگ جاری در اوکراین که بیش از نیم میلیون کشته از طرفین به ارمغان آورده است. با تهاجم روسیه در سحرگاه بیست و سوم فوریه ۲۰۲۲ آغاز شده است. به یقین می توان گفت که در بسیاری از جنگ ها تصمیم به آغاز جنگ را کسانی در اطاق های فرماندهی سیاست در روز و ساعت معین می گیرند. ولی پایان جنگ دیگر چندان در اختیار اینها نیست. سیاست هایی که منجر به این جنگ ها می شوند بسیار بیش از آغاز جنگ شکل گرفته اند تا ضرورت جنگ به مثابه ادامه سیاست را ضروری سازند و دینامیزم هائی در جریان جنگ و در میدان نبرد دخالت می کنند که بسیاری از آنان بر کسانی که فرمان آغاز جنگ را صادر کرده اند، قابل پیش بینی نیستند. آلمان در قرن گذشته دوبار نه تنها اروپا بلکه بخش های بزرگی از جهان را به میدان دو جنگ خونین راند که میلیونها انسان قربانی شدند. امپریالیسم آمریکا در نیم قرن گذشته دهها جنگ برای سیادت بر بخش هائی از جهان را به پیش برد. نه بقصر در جنگ

به عهده بگیرد. این پروژه امپریالیستی از همان ابتدا نه تنها بر پایه یک تقلب تاریخی که گویا "مردمانی هستند که سرزمین ندارند و سرزمینی است که خالی از سکنه است" شکل گرفته و همچنان به مثابه یک اصل در حفظ این دولت اشغالگر عمل میکند. در تاریخ دیده نشده است که اشغالگری خود را قربانی بداند و نه تنها قربانی که تنها قربانی جهان. اما در تاریخ بارها دیده شده است که قربانیان دیروز به قاتلان امروز تبدیل شده اند. اگر اعلام دولت اسرائیل با آواره ساختن بیش از هشتصد هزار نفر تنها در فاصله چند ماه صورت گرفت، اکنون نیز استراتژی دولت اسرائیل پاک سازی قومی، نسل کشی و آواره ساختن اهالی غزه است. آنها آشکارا سخن از اسکان دادن ساکنان غزه در صحرای سینا میکنند و این آنقدر وقیحانه است که نق زدنهای ظاهری متحدین دولت اشغالگر را نیز سبب گشته است. تمام کوشش هایی که تا کنون چه از جانب کشورهای جنوب و چه سازمانهای حقوق بشر و مدافع کودکان برای پایان دادن به این جنگ و یا آتش بس با وتوی امپریالیسم آمریکا به مثابه اصلی ترین مدافع این پروژه امپریالیستی با شکست روبرو شده است. اکنون تنها به میدان آمدن بشریت مترقی در مقیاس میلیونی، بایکوت کارگران بنادر جهت ارسال مهمات جنگی به اسرائیل می تواند گام نخست جهت پایان دادن به این جنگ هولناک باشد. در هفته های اخیر نمونه های خوبی از این اعتراض عمومی علیه دولت اشغالگر و همبستگی با مردم فلسطین شکل گرفته است و این هنوز کافی نیست، صداها باید قویتر و پاها باید استوارتر در خیابانها ظاهر شوند.

## اجلاس اقلیمی "کاپ ۲۸"

### هیاهویی برای هیچ!

روز پنجشنبه سی ام نوامبر اجلاس "کاپ ۲۸" در دبی آغاز به کار کرده و در روز سه شنبه دوازدهم دسامبر با انتشار بیانیه ای به کار خود پایان داد. "الجابر" رئیس دولت امارات و همزمان رئیس دوازدهمین کنسرن عظیم نفتی نتایج اجلاس را "تاریخی" خواند. او بیان داشت که "اجلاس خواستار خروج از انرژی فسیلی نشد، ولی تصمیماتی جهت کاهش گازهای گلخانه ای گرفت". گسترش نیروگاههای هسته ای و یا تزریق گاز کربنیک برای دمیدن روح تازه به شعار "سبز شوی" تا سال ۲۰۵۰ از جمله این تصمیمات بودند. این آن چیزی بود که در بیانیه پایانی آمده بود. اینکه کنفرانس در مکانی برگزار شد که یکی از مهمترین تولیدکنندگان انرژی فسیلی است و

افزون بر آن زمانیکه در هیأت های اعزامی اکثر دول سرمایه داری نمایندگان کنسرن های عظیم نفت، گاز و ذغال سنگ حضور داشتند، در این صورت از همان ابتدا میشد نتایج کنفرانس را گمانه زنی کرد. آنچه که در کنفرانس به تصویب رسید یک بسته ریاکارانه امپریالیستی بود. به زبان دیگر اینکه حداکثر سود کلان برای دهه ها از انرژی فسیلی، گاز و ذغال سنگ ادامه خواهد داشت. میدانیم که تنها در سال گذشته میلادی کمپانیهای نفت و گاز درآمدی بالغ بر چهار هزار میلیارد دلار کسب کردند. و چرا باید سرمایه مالی بین المللی از چنین حداکثر سودی چشم پوشی کند و البته در این میان مهم نیست که فاجعه زیست محیطی که مدتهاست آغاز شده، تا چه اندازه عمیقتر خواهد شد. شرکت کنندگان در اجلاس میخواهند به ما بقبولانند که تصمیمات اتخاذ شده آنان کمک میکند که به هدفی که در سال ۲۰۱۵ در کنفرانس اقلیمی پاریس مبنی بر نگه داشتن گرمایش یک و نیم در کره زمین، خواهیم رسید. ولی واقعیت این است که امسال بالاترین دمای ثبت شده و بالاترین تولید گاز کربنیک را شاهد بودیم. آن چیزی که گردآمدگان در اجلاس دویی نادیده میگیرند، فرآیندهای خود تخریبی است که در آن حتی بدون دخالت انسان، دمای کره زمین افزایش مییابد. نتایج حاصل از این تصمیمات معنایی جز این ندارد که فاجعه جهانی تغییرات اقلیمی که از مدتها پیش به عنوان فاجعه اولیه زیست محیطی جهانی آغاز شده است، وخامت بارتر خواهد شد. و این نشان میدهد که صاحبان قدرت آگاهانه بشریت را به ورطه فاجعه زیست محیطی جهانی میکشانند. آنان بعد از دهها سال ابر سود از این انرژیها یک بار دیگر حرکت آزاد انرژی فسیلی جهت فاجعه زیست محیطی را به تصویب رسانده و ریاکارانه از تصمیم "تاریخی" سخن گفتند. اما در مقابل سازمانهای مدافع محیط زیست اعلام کردند که تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس نادیده گرفتن همه مخاطراتی است که دهها سال است که از جانب مدافعان محیط زیست عنوان میشوند. سخنگوی بین المللی جنبش "جمعه ها برای آینده" با توجه به نتایج کنفرانس اعلام کرد که "یکبار دیگر معلوم شد که تنها یک اعتراض جهانی میتواند فشار لازم را جهت نجات کره

همه این مصائب چه آنجا که جنگ های نیابتی به پیش میروند، چه آنجائیکه یک نسل کشی تمام عیار در مقابل چشمان ما قرار میگیرد و چه آنانی که بیش از همه ناشی از تغییرات اقلیمی قربانی میشوند، با نتایج آن نظم غارتگرانه ای روبرو هستند که سود در مرکز توجه اش قرار دارد. اکنون دیگر روشن شده است که بوق و گُرنا در باره "ابدیت سرمایه داری" ابدیتی برای نابودی انسان است. نجات بشریت می تواند و باید در دستور کار تاریخ قرار گیرد. در یک کلام میتوان گفت که نظم کهن فرو ریخته، ولی زایش نظم جدید به تعویق افتاده است.

یازدهم دیماه ۱۴۰۲

اول ژانویه ۲۰۲۴



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

## در محکومیت عملیات تروریستی در کرمان!

## نباید به رژیم اسلامی اجازه داد تا به بهانه مقابله با تروریسم فضای سرکوب را تشدید کند!



در کشورهای منطقه تقلا کرده امنیت سلسله سلطنتی جنایتکار آل سعود را تأمین نماید، رژیم جمهوری اسلامی نیز همواره یکی از "افتخاراتش" این بوده که با جنگ در بیرون مرزها امنیت نظام جمهوری اسلامی در داخل مرزها را تضمین کرده است. سیاست خارجی و در واقع سیاست تروریستی و مداخله گرانه رژیم اسلامی در سطح خاورمیانه ادامه منطقی سیاست های این رژیم در داخل ایران است. رژیمی که فقر و فلاکت و بیکاری و ناامنی را به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده و زنان را به بند قوانین آپارتاید جنسیتی کشانده است، رژیمی که اعدام هزاران زندانی، قتل های زنجیره ای، زندانی کردن و شکنجه مخالفین و ترور صدها نفر از مخالفین سیاسی و سرکوب خونین خیزش های انقلابی را در کارنامه دارد، در بیرون از مرزها هم نمی تواند جز ترور و کشتار و ایجاد ناآمنی ارمغان دیگری برای مردم منطقه داشته باشد.

با عملیات تروریستی در کرمان فرصتی برای رژیم جمهوری اسلامی پیش آمده تا با مظلوم نمایی خود را قربانی تروریسم جلوه دهد و به این بهانه موج اعدام زندانیان را گسترش دهد و فضای سرکوب و ارباب در جامعه را تشدید کند. نباید به رژیم اجازه داد تا به بهانه مقابله با تروریسم ماشین کشتار زندانیان را سرعت ببخشد و با امنیتی کردن فضای جامعه مردم را مورد تعرض قرار دهد. ماشین کشتار این رژیم باید متوقف گردد. رژیم جمهوری اسلامی در دی ماه ۱۳۹۸ با جار و جنجال تبلیغاتی و رژه تابوت ها و قهرمان سازی از قاسم سلیمانی تروریست به بهانه مقابله با تهدیدات جنگی آمریکا در واقع جنبش دادخواهی علیه جنایاتی که رژیم در جریان خیزش انقلابی آبان ۹۸ علیه مردم انجام داده بود را نشانه گرفت. این بار هم سران و فرماندهان سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی با تلاش برای امنیتی کردن بیشتر فضای جامعه در واقع جنبش انقلابی ژینا و تداوم آن را نشانه گرفته اند.

حزب کمونیست ایران عملیات تروریستی در کرمان را قاطعانه محکوم می کند و به بازماندگان قربانیان بی دفاع این واقعه تسلیت می گوید. حزب کمونیست عملیات تروریستی در کرمان را محصول مستقیم سرکوبگری ها و تروریسم رژیم جمهوری اسلامی در داخل ایران و سیاست های مداخله گرانه و تروریستی این رژیم در سطح منطقه می داند. حزب کمونیست ایران بر این باور است که کارگران و مردم ستمدیده ایران تنها از مسیر گسترش اعتصابات و مبارزات حق طلبانه خود و با تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و با فراهم آوردن ملزومات این سرنگونی بر متن مبارزات جاری می توانند از تروریزه کردن و ناآمن کردن فضای جامعه جلوگیری کنند و رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱۳ دی ماه ۱۴۰۲

۳ ژانویه ۲۰۲۴



بنا به گزارش ها ساعت ۳ و نیم روز چهارشنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲ برابر با ۳ ژانویه ۲۰۲۴ در جریان انفجار دو بمب در مراسم حکومتی سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در نزدیک مسجد صاحب الزمان در کرمان تاکنون بیش از ۱۰۰ نفر جان خود را از دست داده و صدها نفر نیز زخمی و مصدوم شده اند. استاندار رژیم در کرمان گفته که این حمله تروریستی بوده است و محمد مخبر معاون اول رئیس جمهور رژیم اسلامی با این گفته که «یادای رژیم صهیونیستی خون شهروندان بی گناه را به زمین ریخته اند»، عوامل دولت اسرائیل را مسئول این عملیات تروریستی معرفی کرده است. بر پایه گزارش ها بمب ها در دو کیف جاسازی شده و با کنترل از راه دور به فاصله ده دقیقه از هم منفجر شده اند. جهت یادآوری در ۱۷ دی ماه ۱۳۹۸ نیز در جریان مراسم خاکسپاری قاسم سلیمانی در کرمان به دلیل آنچه گفته شد ازدحام جمعیت، بیش از ۵۰ نفر جان خود را از دست دادند و صدها تن مصدوم شدند.

عملیات تروریستی در کرمان و جنایتی که علیه مردم بی دفاع انجام گرفته چه از جانب سپاه پاسداران با اهداف سیاسی و برای به بیراهه بردن افکار عمومی برنامه ریزی شده باشد و چه از جانب دولت اسرائیل و یا دیگر جریان های تروریستی رقیب رژیم اسلامی در منطقه انجام گرفته باشد، مسئولیت مستقیم آن بر دوش سران رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی در رأس یکی از قطب های تروریسم دولتی و تروریسم گروه های ارتجاعی اسلامی در منطقه خاورمیانه قرار دارد. این عملیات و کشتار مردم بی دفاع در کرمان مانند دو روی یک سکه یا ادامه سرکوبگری ها، موج اعدام ها و تروریسم رژیم جمهوری اسلامی در داخل ایران است و یا نتیجه مستقیم سیاست های مداخله گرانه و تروریستی این رژیم در منطقه خاورمیانه است که قاسم سلیمانی خود یکی از معماران آن بود.

معماران سیاست راهبردی "تعرض بازدارنده" رژیم اسلامی طی این سال ها در جنبش فلسطین سازمان حماس، جهاد اسلامی و بقیه گروه های ارتجاع اسلامی را تقویت کردند تا آنها با پرتاب موشک های ساخت جمهوری اسلامی به مناطق تحت اشغال اسرائیل به طور مداوم بهانه به دست دولت نژاد پرست اسرائیل داده، تا با دست بازتری کشتار و نسل کشی مردم فلسطین و اشغالگری را ادامه دهد. رژیم جمهوری اسلامی با اعزام هزاران نفر از نیروهای بسیج و سپاه پاسداران به سوریه و با آموزش و تجهیز چند هزار نفر شبه نظامی شیعه که از کشورهای افغانستان و پاکستان اجیر شده بودند و در همراهی با نیروهای حزب الله لبنان یک پای اصلی کشتار و ویرانی و آوارگی در سوریه و یک پای جنگ نیابتی با عربستان سعودی و هم پیمانان آن بوده است. رژیم جمهوری اسلامی با حمایت از احزاب و جریان های مذهبی شیعه در عراق و با سازمان دادن و تجهیز نیروی حشدشعبی در عراق عامل اصلی بی ثباتی و ایجاد ناآمنی در این کشور است. رژیم اسلامی ایران با کمک های مالی و نظامی خود به نیروهای جنایتکار طالبان در افغانستان و گروه اسلامی حوثی در یمن از عوامل تداوم جنگ داخلی و کشتار مردم بی دفاع در این کشورها می باشد. اگر حکومت ارتجاعی عربستان سعودی طی سالها با حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه های تروریست اسلامی مانند القاعده، داعش و جبهه النصره و غیره و با دامن زدن به جنگ و ناامنی



## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست زنده باد اعتصاب!

### از اعتصاب کارگران مبارز فولاد اهواز حمایت کنیم!



دی ماه بر تداوم اعتصاب و اعتراض تا تحقق مطالبات شان تأکید کنند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز با اعتصاب و راهپیمایی شکوهمند خود که جلوه ای از مبارزات روبه رشد کارگران است، فصل تازه ای از اتحاد و همبستگی طبقاتی و مبارزاتی خود را برای پیگیری و تحقق خواست هایشان آغاز کرده اند. اعتصاب کارگران فولاد اهواز و اعتصابات دیگر مراکز تولیدی نشان می دهد، بر بستر شرایط بحرانی جامعه گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری اجتناب ناپذیر است. چرا که، نه جمهوری اسلامی و صاحبان سرمایه پاسخی به مطالبات تل انبار شده کارگران دارند و نه کارگران راهی برای عقب نشینی دارند. گسترش اعتراض و اعتصاب و توقف تولید در گستره ای همگانی یگانه راه رهایی کارگران از وضعیت مرگبار کنونی است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت از اعتصاب و خواست های برحق کارگران کارخانه گروه ملی فولاد اهواز، عموم کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی را به حمایت از اعتصاب و مطالبات کارگران فولاد اهواز فرا می خواند، و ممنوع ورود شدن کارگران، ایجاد هرگونه تهدید و اخراج و محدودیت کاری برای کارگران اعتصابی فولاد اهواز را قویا محکوم می کند و خواهان فوری بازگشت به کار همه کارگران ممنوع ورود است.

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۴ دی ۱۴۰۲ ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



در پی اقدام علی محمدی، مدیر عامل کارخانه گروه ملی فولاد اهواز مبنی بر ممنوعیت ورود ۲۱ نفر از کارگران مبارز به شرکت و عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، از صبح روز شنبه دوم دی ماه ۱۴۰۲، کارگران گروه ملی فولاد اهواز بار دیگر دست به اعتصاب زدند. در پی گسترش اعتصاب و کشیده شدن آن به همه بخش های خطوط تولیدی، کارگران اعتصابی که پیشتر هم به مدیر عامل شرکت جهت لغو ممنوعیت ورود رفقای همکارشان و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل هشدار داده بودند، به دلیل عدم اجرای خواست های خود، ابتدا در برابر دفتر مدیریت و سپس در مقابل دفتر معاونت فنی شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند و پس از آن در حرکتی متحدانه علی محمدی، مدیر عامل شرکت را از محل کار خود فراری دادند.

کارگران فولاد، بعد از فراری دادن مدیر عامل فاسد شرکت، برای جلب همبستگی مردم شهر از محل کارخانه تا میدان بقایی در ابتدای جاده اهواز - خرمشهر راه پیمایی کردند. کارگران معترض با سردادن شعارهای نظیر "ما کارگران فولاد، علیه جنگ و بیداد می جنگیم، می جنگیم" و "سفره ما خالی، ظلم و ستم کافیه" مجددا با راهپیمایی و در صفوفی به هم پیوسته به کارخانه بازگشتند.

کارگران معترض فولاد اهواز با راهپیمایی و توقف تولید، ضمن تأکید بر اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و لغو فوری ممنوع ورود شدن رفقای همکار خود، قاطعانه اعلام کردند بر بستر اتحاد و همبستگی مبارزاتی شان تا تحقق خواست های خود به مبارزه ادامه خواهند داد. اما، مدیریت شرکت در واکنش به مطالبات بر حق آنان با توسل به نیروهای مزدور حراست اقدام به مسدود کردن کارت ورود ۱۷ کارگر دیگر نمود و بدین ترتیب تاکنون ۳۸ نفر از کارگران به دلیل پافشاری بر مطالبات خود و همکارانشان از کار تعلیق شده اند. این اقدام سرکوبگرانه کارفرما سبب شد تا کارگران اعتصابی روزهای یکشنبه سوم و دوشنبه چهارم

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

### ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان  
تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای

سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند-



## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

## در محکومیت جنایات جنگی دولت ترکیه علیه مردم در کردستان سوریه!



جنبش حق طلبانه مردم این منطقه لطمات جبران ناپذیری وارد آورده است. دولت آمریکا که همدست دولت نژادپرست اسرائیل در کشتار مردم غزه است و پرونده‌ای پر از کودتا و جنایت در سرکوب جنبشهای آزادیخواهانه در سراسر جهان دارد، نمی‌تواند مدافع راستین حقوق و منافع مردم زحمتکش و ستمدیده در کردستان سوریه باشد. از سوی دیگر هماهنگی و همکاری دولتهای جمهوری اسلامی، عراق و سوریه با رژیم ترکیه در انجام عملیات نظامی و امنیتی و جاسوسی علیه مردم در همه بخشهای کردستان، سیاست و توافقات مشترکی است که این دولتها علیرغم اختلافات موجود میان شان با آن موافق هستند و در همکاری با هم در می‌آوردند.

کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، بار دیگر حملات نظامی، تروریستی و اقدامات امنیتی دولت فاشیستی ترکیه علیه مردم مبارز و ستمدیده کردستان سوریه و زیر ساختهای اقتصادی و اجتماعی و خدماتی آنرا به شدت محکوم می‌نماید. کومه‌له از همه مردم آزادیخواه و جریانات سیاسی چپ و کمونیست و جنبشهای اجتماعی پیشرو و رادیکال می‌خواهد که جنایات دولت ترکیه علیه مردم کردستان را محکوم نمایند. بدون شک در شرایط بحرانی و اوضاع آشفته منطقه خاورمیانه، مردم مبارز و ستمدیده کردستان سوریه تنها در اتحاد و همبستگی با کارگران و سایر مردم رنج‌دیده و جنبشهای پیشرو اجتماعی در سوریه می‌توانند در برابر جنایات و تعرضات دولت فاشیست ترکیه مقاومت کنند و با سرنگونی رژیم دیکتاتوری بشار اسد در راه آزادی و رفاه گام بردارند.

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

ششم دیماه ۱۴۰۲

۲۷ دسامبر ۲۰۲۳



دولت فاشیست ترکیه طی چند روز گذشته بر شدت عملیات نظامی هوایی و زمینی علیه مردم در کردستان سوریه (روژئاوا) افزوده است و زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی و مراکز خدماتی در شهرهای قامیشلو، کوبانی، عاموده و حومه عفرین را هدف بمبارانهای خود قرار داده است. در شرایطی که فضای رسانه‌ای و افکار عمومی جهانی بر جنایات و نسل کشی دولت اسرائیل در غزه متمرکز شده است، ارتش ترکیه با استفاده از فرصت به ویژه از روز یکشنبه ۲۴ دسامبر و تا کنون حملات ویرانگر پهبادی و توپخانه‌ای خود به مردم کردستان در سوریه را شدت بخشیده است. در این مدت تأسیسات تأمین آب و برق شهر و روستاها، بیمارستانها و مراکز درمانی، کارگاه تولید اکسیژن برای مصارف بیمارستان، کارخانه و کارگاههای تولید مواد مورد نیاز مردم و حتی نانوائیها و خانه‌های مردم غیرنظامی را هدف حملات پهبادی و توپخانه‌ای خود قرار داده است. شامگاه سه شنبه ۲۶ دسامبر بیمارستان هلال احمر در شهر کوبانی نیز هدف حمله هوایی ارتش جنایتکار ترکیه قرار گرفت و از کار افتاد. تشدید عملیات نظامی ترکیه در کردستان سوریه همزمان با ادامه حملات نظامی و درگیری با نیروهای (پ ک ک)، در مرز ترکیه با کردستان عراق صورت می‌گیرد. بنا به گزارشات منتشره طی روزهای گذشته دهها نفر از نیروهای نظامی ترکیه در جنگ با (پ ک ک) کشته و زخمی شده‌اند. ارتش ترکیه کشته شدن ۱۲ نفر از نظامیان خود در این عملیاتها را تأیید کرده است که انعکاس زیاد و اعتراضاتی در ترکیه به دنبال داشته است.

بنا به گزارش تشکیلات خود مدیریتی روژئاوا، در حملات ترکیه به کردستان سوریه در سه روز اخیر بیش از ۲۰ نفر از مردم غیر نظامی زخمی شده و ۸ نفر نیز جانباخته‌اند که روز سه شنبه پیکر آنها طی تظاهرات با شکوهی با شرکت دهها هزار نفر از مردم در قامیشلو خاکسپاری شد. این حملات رژیم ترکیه مصداق بارز جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت است. دورویی و ریاکاری در این است، درحالی که اردوغان فاشیست خود مرتکب چنین جنایاتی علیه مردم کردستان می‌شود، انجام چنین جنایاتی توسط دولت نژادپرست اسرائیل علیه مردم فلسطین را جنایت علیه بشریت می‌نامد و محکوم می‌کند.

حملات دولت فاشیست ترکیه به مناطق تحت حاکمیت خود مدیریتی روژئاوا و زیر ساختهای خدماتی آن درحالی بی‌محابا انجام می‌گیرد که ارتش آمریکا کنترل فضای هوایی این کشورها را اختیار دارد. علاوه بر این، نیروهای ارتش آمریکا تحت عنوان همپیمانی بین‌المللی علیه داعش که "یگانهای مدافع خلق" (ی پ گ) از نیروهای حکومت خودگردان روژئاوا نیز بخشی از این همپیمانی هستند، دارای چندین پایگاه نظامی در کردستان سوریه است. بنابراین نباید تردیدی وجود داشته باشد که حملات ارتش ترکیه علیه مردم کردستان سوریه در توافق ضمنی با ارتش آمریکا انجام می‌گیرند. در چنین شرایطی هم پیمانی نیروهای سیاسی حاکم در کردستان سوریه با دولت آمریکا نه تنها در راستای منافع مردم ستمدیده کردستان سوریه نیست، بلکه به اعتبار



## رژیم اسلامی با موج اعدام‌ها نمی‌تواند ترس خود را پنهان کند!

برای نجات از خشم و اعتراضات توده‌های مردم ستمدیده ایران از حاکمیت بیش از چهار دهه حکومت اسلامی است.

طی چند سال گذشته تداوم و تشدید بحران اقتصادی، افزایش تورم، گرانی و کاهش بیشتر قدرت خرید مردم زندگی و معیشت در صد بیشتری از کارگران و مردم تهیدست جامعه را با فقر و گرسنگی روبرو ساخته است. گسترش اعتصابات کارگری از جمله اعتصاب پرشکوه کارگران فولاد در این مدت، تداوم اعتراضات کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، یکشنبه‌ها، دوشنبه‌ها و سه‌شنبه‌های اعتراضی بازنشستگان، اعتراضات دانشجویی و دیگر اقشار جامعه، افشای پرونده‌های دزدی و فساد صدها هزار میلیارد تومانی مسئولان و کاربردستان رژیم از سویی و پیامد سیاست فاجعه‌بار دخالتگری نظامی رژیم اسلامی در کانون‌های بحران منطقه به ویژه در شرایطی حساس و خطرناک کنونی، زمینه‌هایی هستند که نگرانی رهبران حکومت اسلامی از بروز دور دیگری از اعتراضات خیابانی را موجب شده است. تشدید سیاست اعدام زندانیان سیاسی در چنین شرایطی تلاش عبث و بیهوده رژیم در جلوگیری از گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای علیه حکومت اسلامی است. اما همانگونه که تجربه سه خیزش انقلابی و سراسری در طی شش سال گذشته و روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری نشان داده است این موج اعدام‌ها و تشدید سرکوب نتوانسته جامعه را مرعوب کند و کارگران و مردم زحمتکش را از پیگیری خواست و مطالبات واقعی خود منصرف سازد. بدون شک اعتصابات و اعتراضات روزانه کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان آزاده و دیگر اقشار تهیدست جامعه با قدرت و شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. بر متن این اعتصابات و اعتراضات، عنصر سازمانیابی و رهبری تقویت خواهد شد و کارگران و فرودستان جامعه در این روند ملزومات سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم می‌کنند.



“حکم اعدام تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی از جمله مجاهد کورکوری و رضا رسایی از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری نیز برای اجرای حکم به شعبه‌های اجرای احکام اعدام بر اساس اتهامات آشکارا دروغ و مضحک دستگاه‌های امنیتی رژیم که به دادگاهها دیکته می‌شوند، صادر گردیده است. اتهامات جعلی از قبیل “شلیک گلوله به سوی جانبختگان اعتراضات سراسری از جمله (کیان پیر فلک)، مباشرت در ایراد جراحات عمدی و قدرت نمایی و اخلال در نظم عمومی از طریق هیاهو و جنجال” و غیره.

این رقم بالا از اعدام در سال گذشته میلادی،



نسبت به اعدام‌های سال ۲۰۲۲ افزایش ۴۱ درصدی را نشان می‌دهد. در حالی که تعداد اعدام‌ها در سال ۲۰۲۱ در ایران ۳۱۴ نفر بوده است، در سال ۲۰۲۲ به ۵۸۲ نفر رسیده و سال ۲۰۲۳ دست کم به ۸۲۳ نفر افزایش یافته است. روند افزایش اعدام‌ها و انجام شش مورد اعدام در ملاءعام در دور اخیر به وضوح نشان می‌دهد که صدور احکام اعدام در حکومت جمهوری اسلامی ربطی به جنبه حقوقی و قضایی ندارد و اقدامی سیاسی برای ایجاد فضای ترس و ارعاب و جلوگیری از بروز دور دیگری از اعتراضات خیابانی می‌باشد. جمهوری اسلامی در طول ۴۵ سال حاکمیت خود هرگاه با تشدید بحران سیاسی و اقتصادی و شکست و ناکامی در سیاست‌های کلانش مواجه شده است، به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت و جلوگیری از هر گونه صدای اعتراضی در جامعه، به ابزار شنیع اعدام‌های جمعی زندانیان متوسل شده است تا به حاکمیت ضد انسانی‌ش تداوم بخشد. رویکرد جنایتکارانه رژیم به اعدام که پس از شروع خیزش انقلابی سراسری در سال گذشته بار دیگر آنرا افزایش داده است، تلاشی دیگر

طی یک هفته گذشته ۲۲ نفر دیگر از زندانیان تحت عنوانی گوناگون در زندانهای ایران توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اعدام شدند. بنا به گزارشهای هنگاو و “هرانا” ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز دوشنبه یازدهم دیماه و در اولین روز سال جدید میلادی دژخیمان رژیم اسلامی در زندان مرکزی کرج، پنج نفر را اعدام کردند. روز قبل از آن نیز شش زندانی دیگر در زندان بیرجند و یک نفر دیگر را نیز در زندان عادل آباد شیراز اعدام کرده بودند. روز شنبه نهم دیماه نیز در زندان قزل حصار گردن یک زندانی دیگر ساکن ایلام را به بالای چوبه دار بردند. به گزارش هرانا روز جمعه نیز رژیم اسلامی دو زندانی دیگر را در زندان مشکین شهر اعدام کرد و روز پنجشنبه هفتم دیماه جلادان جمهوری اسلامی جان سه انسان دیگر را در کاشان، بندرعباس و یزد گرفتند. به گزارش “حالوش” سحرگاه چهارشنبه ششم دیماه نیز چهار زندانی دیگر از جمله سه زن در زندان بیرجند توسط ماشین کشتار رژیم اعدام گردیدند.

اعدام این انسانهای بی‌دفاع در سیاهچالهای رژیم پس از محاکمات کذابی و در شرایطی صورت می‌گیرند که به اعتراف برخی از مقامات قضایی رژیم، بعضی از اعدام‌ها چندین بار درخواست فرجام خواهی و اعاده دادرسی کرده بودند اما درخواست آنان از سوی دیوان عالی کشور رژیم رد شده بود. تردیدی نیست که رژیم اسلامی با هدف تشدید فضای امنیتی و مرعوب کردن جامعه، این موج اعدام‌ها که تعدادی از آنها را در ملاءعام انجام می‌دهد به راه انداخته است. بر اساس گزارش سالانه مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر “هنگاو” رژیم اسلامی در سال ۲۰۲۳ که همین هفته به پایان رسید، دست کم ۸۲۳ زندانی از جمله پنج کودک زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم را اعدام کرده است. علاوه بر این تعداد زیاد اعدام، رژیم جمهوری اسلامی طی همین سال در دادگاههای فرمایشی برای ۱۵۵ نفر دیگر از زندانیان حکم اعدام صادر کرده است که هنوز اجرا نشده‌اند. در این گزارش آمده است که حکم تعدادی از زندانیان اعدام شده در این دوره و حتی اعدام آنها نیز بدون ملاقات آخر با خانواده به اجرا در آمده است و اعدام آنها توسط مسئولین زندان و نهادهای متولی هم اعلام نشده است. به گزارش خیرگزاری هرانا

## اطلاعیه کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران به مناسبت امواج جدید اعدام زندانیان در ایران

دارد.. ما در تشکیلات حزب کمونیست ایران همچون همیشه در کنار زندانیان سیاسی و خانواده های آنان، زندانیان جانباخته و مادران دادخواه که تحت شدیدترین فشارهای روحی و روانی قرار دارند، برای آزادی همه زندانیان سیاسی و پایان دادن به قتل های دولتی، شکنجه و اعدام معترضین و مبارزین در ایران ایستاده و خواهیم ایستاد..

جان زندانیان سیاسی در ایران در خطر است. درنگ جایز نیست. تجربه سالها مبارزه به ما نشان داده که در صورت پیوند مبارزات داخل کشور با اعتراضات مجامع بین المللی می توان رژیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد. تحمیل چنین عقب نشینی بستگی به توان ما در میزان بسیج نیروی توده ها و جلب همبستگی و حمایت گسترده مردمی دارد. بر همین اساس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران از همه نیروهای چپ و کمونیست، نهادها و گروههای مدافع آزادی، فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی میخواهد با برگزاری حرکتی اعتراضی و افشای جنایتهای آدمکشانه جمهوری اسلامی در اعدام زندانیان که قتل عمد دولتی است، به مقابله با اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی برخیزند.

### زندانی سیاسی، کارگر زندانی آزاد باید گردد سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران  
سوم ژانویه ۲۰۲۴  
سیزدهم دی ماه ۱۴۰۲

آشکارا دروغ و پرونده سازی مُضحک در زیر شکنجه و تحت فشار دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی رژیم که به دادگاهها دیکته می شوند، صادر گردیده است.

امروزه دیگر بر همگان آشکار است که جمهوری اسلامی همانند همیشه با افزایش سرکوب و اعدام زندانیان و بویژه زندانیان سیاسی، وقیحانه تلاش می کند مقاومت توده های مبارز بجان آمده از فقر و فلاکت، سرکوب و بی حقوقی محض را در هم بشکند. بدون شک تشدید سیاست اعدام زندانیان سیاسی در چنین شرایطی تلاش عبث و بیهوده در جلوگیری از گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای علیه حکومت اسلامی ایران است. تجارب مبارزاتی مردم در بیشتر از چهار دهه گذشته که سرشار از مقاومت و مبارزات فعالین سیاسی، کارگری، خانواده های دادخواه، خانواده های زندانیان سیاسی و دیگر اقشار اجتماعی است نشان میدهد که تنها با افشای ماهیت سیاسی اجتماعی رژیم جنایتکار سرمایه داری اسلامی، با گسترش اعتراضات و اعتصابات و حضور میلیونی کارگران و توده های زحمتکش و مبارز است که میتوان به مقابله با موج اعدامها پرداخت. در عین حال بهم پیوستن جو بارهای مبارزاتی جاری در کارخانه ها، اماکن آموزشی و بهداشت و حمل و نقل و سایر بخشهای جامعه و تجمع و حضور در کف خیابان ها و جلب توجه و همبستگی جریانات کارگری و پیشرو و مترقی در عرصه جهانی میتواند توازن قوای موجود را به نفع جنبش انقلابی مردم ایران تغییر داده و ماشین مرک و کشتار رژیم را از حرکت باز

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در آخرین هفته سال ۲۰۲۳، دست کم ۸۲۳ زندانی از جمله پنج کودکی که در زمان ارتکاب جرم زیر سن بودند و کمتر از ۱۸ سال عمر داشتند را اعدام کرد. بنا بر گزارشات منتشر شده بیدادگاههای فرمایشی رژیم در سال ۲۰۲۳ حکم اعدام ۱۵۵ زندانی دیگر را صادر که این احکام هنوز اجرا نشده است. گزارشات رسیده از وکلا و خانواده های تعدادی از زندانیان اعدام شده در این دوره حاکی از آن است که به این خانواده ها و عزیزان اعدام شده آنها نه تنها حق ملاقات قبل از اعدام داده نشده بلکه مسئولین زندان و نهادهای متولی رژیم حتی از اعلام اعدام زندانیان به خانواده های آنان خود داری نموده اند.

در سه سال گذشته اعدام زندانیان و بویژه زندانیان سیاسی در ایران بشدت افزایش یافته است. روند افزایش اعدامها و انجام شش مورد اعدام در ملاعما در دور اخیر به وضوح نشان می دهد که صدور احکام اعدام در حکومت جمهوری اسلامی نه تنها از شنیع ترین اقدامات حکومت های جنایتکار دیکتاتور است بلکه اقدامی سیاسی برای ایجاد فضای ترس و ارعاب و جلوگیری از بروز دور دیگری از اعتراضات خیابانی می باشد. باید گفت حکم اعدام تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی از جمله مجاهد کورکوری و رضا رسایی از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری نیز به شعبه های اجرای احکام اعدام این واقعیت انکار ناپذیر را آشکارا نشان می دهد زیرا بنا به اظهارات وکلا و مقامات مطلع در امور قضایی و حقوق بشر، حکم اعدام این انسانها بر اساس اتهامات

## "طناب دار"



شعر: شیرکو بیگس  
(ترجمه از کردی)

بمن بگوئید:

از شرق تا به غرب،

از بالا تا پایین،

این سرزمین ها

از قدیم الایام تا به امروز

طناب های دار

چه چیزی را توانسته اند

در ما بکشند؟!

چه کاری توانسته اند

با فریاد بلند مبارزه

و آزادی مان بکنند.

طناب های دار توانسته اند

«شاهو» را بترسانند؟

توانسته اند دریاچه ای

وان و ارومیه

را خاموش کنند؟

توانسته اند

«پیرمگرون»

را به زانو درآورند؟

چه چیزی را به طناب دار نسپرد

و اعدام نکرد؟

از رویا تا شعر

و از شعر تا زن

و از زن تا نان

و تا آب و

تا گل و

تا چشمه

آنچه را هرگز نتوانست

اعدام کند

آینده است

و آزادی

## کارگران و مردم مبارز ایران مضحکه انتخابات رژیم را به شکست می کشانند!

مردم زحمتکش ایران که حکومت اسلامی زندگی و معیشت و آزادی آنان را در معرض خطر جدی قرار داده است، سالهاست با شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا"، نه تنها از آنها بلکه از کل نظام جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند و رأی آنها سرنگونی جمهوری اسلامی است.

سران حکومت اسلامی از پاسداران تا روحانیون می‌دانند که حتی با یک دست کردن و پادگانی کردن کل نهادهای حاکمیت از دولت و مجلس تا قوه قضائیه و غیره نیز نه تنها نتوانسته‌اند بحرانهای رژیم را از سر بگذرانند، بلکه روز به روز بر وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در جامعه افزوده شده و زندگی و معیشت شان به خطر افتاده است. کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و سایر توده‌های مردم تهدیدست و محروم جامعه، به خوبی می‌دانند که شرکت در در نمایش انتخاباتی رژیم به معنای رأی دادن به بیش از چهار دهه فقر و گرسنگی و بیکاری کارگران است؛ به معنای رأی دادن به تبعیض و بی حقوقی زنان و قوانین ارتجاعی و زن ستیز قرون وسطایی اسلامی است؛ رأی دادن به محرومیت جوانان از یک زندگی آرام و شایسته انسانی است؛ رأی دادن به معضلات معیشتی معلمان و بازنشستگان است؛ رأی دادن به کشتار هزاران نفر از کودکان و جوانان در کف خیابان در جریان خیزشهای انقلابی برای رهایی است، رأی دادن به زندان و شکنجه و قتل‌های درون زندانها است، رأی دادن به دخالت حکومت اسلامی در برپایی جنگ و کشتار و ویرانی در کشورهای منطقه است؛ رأی دادن به تروریسم و نا امنی در داخل و خارج ایران است. کارگران و مردم مبارز ایران می‌دانند که شرکت در این نمایش انتخاباتی یعنی رأی دادن به قاتلان مهسا، نیکا، سارینا، اسرا، مونا، سامر، جواد و آرمیتا و صدها جوان پرشور و انقلابی که در جریان خیزشهای انقلابی در راه آزادی و برابری و رفاه انسانها جان باختند.

بنابراین لازم است فعالین و تشکلهای مستقل کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان و دیگر اقشار فرودست جامعه از همین حالا با صدور بیانیه‌های سیاسی عزم قاطع خود را برای به شکست کشاندن مضحکه انتخاباتی رژیم اعلام کنند. کارگران و مردم مبارز ایران با تداوم اعتصابات و اعتراضات خود و با نرفتن به پای صندوق‌ها این مضحکه رژیم را نیز به شکست خواهند کشاند.



جمعی از شیپورچی‌های مداحش را گرد آورد و ضمن یادآوری حمایت‌های رژیم از مداحان و موعظه‌های خرافی، به آنها مأموریت داد تا تحت عنوان خرافی «جهاد تبیین» به تبلیغ برای انتخابات بپردازند. خامنه‌ای خطاب به آنها گفت: «مداح، واعظ و هیئت از مهم‌ترین بخشهای قدرت نرم حکومت هستند. امروز ما انتخابات در پیش داریم و شما هم باید وظیفه خود را بدانید. بار جهاد تبیین بر دوش شما است.» خامنه‌ای علاوه بر تبلیغ، وظیفه اعمال زور و قلدری را نیز به آنها سپرد و گفت: «یک عده نمی‌خواهد این انتخابات آنچنانی که شایسته است انجام بگیرد؛ تلاش می‌کنند مردم را مأیوس کنند؛ مردم را بی اعتماد کنند که انتخابات فایده‌ای ندارد. شما باید در مقابل اینها سینه سپر کنید. هرکس با انتخابات مخالفت کند، با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است و این حرکت خصمانه است.» خامنه‌ای که می‌داند مضحکه انتخاباتش خریداری ندارد، می‌خواهد با این اقدامات و تهدیدات مردم را به پای صندوقهای رأی بیاورد و چنین نمایشی را «انتخابات و مردم سالاری» بنامد و از آن برای خود و حکومتش مشروعیت بترشد. در این راستا معاون سپاه پاسداران نیز نگرانی خود را بیان کرد و گفت: «دشمن و مخالفان می‌خواهند فضای دانشگاهها را قبل از انتخابات شلوغ کنند باید به طور جدی با «جهاد تبیین» در دانشگاهها ورود کنیم چند ماه آتی تا پایان سال برای ما تعیین کننده است.»

در این میان اعتدال گرایان و اصلاح طلبان حکومتی با امید بستن به ضعف و شکست اصولگرایان، دوباره به صرافت بازگشت به درون حلقه تنگ قدرت افتاده‌اند. این توهم آنان از آنجا ناشی شده که شورای نگهبان با اطلاع از موقعیت بسیار ضعیف و شکننده رژیم و عدم مشارکت مردم در نمایش انتخابات و با هدف فریب مردم، چند نفری از آنان را رد صلاحیت نکرده است. چند ماه قبلاً محمد رضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نیز گفته بود که جریان اصولگرا برای بازار گرمی انتخابات تصمیم گرفته جریان اصلاح طلب را وارد بازی کند. در این رابطه سخنگوی جبهه اصلاحات زبونانه اعلام کرد که: «با توجه به بیانات رهبری، این بهترین فرصت است که مجلس مسیر بسته را باز کند. خاستگاه اصلاحات یک انتخابات رقابتی منصفانه و داشتن کاندیدای خودمان است. اما تاکنون هیچ توجهی به آن نشده است.» اما اصلاح طلبان و اعتدالیون باید بدانند که کارگران و توده‌های

قرار است نمایش انتخاباتی دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری روز ۱۱ اسفند ماه امسال بطور همزمان برگزار شوند. انتخاباتی که حتی به اعتراف رهبران جناحهای اصولگرا و سایر کارگزاران رژیم، بی رونق‌ترین مضحکه‌های انتخاباتی در حیات جمهوری اسلامی خواهد بود. برخلاف جار و جنجال‌های متداول در انتخاباتهای پیشین رژیم که از ماهها قبل به راه می‌انداختند، در این دوره تا کنون که تنها دوماه به انتخابات باقی مانده خبر آنچنانی از فعالیت‌های تبلیغی در جریان نیست. زیرا خود کارگزاران رژیم نیز می‌دانند که دیگر نمی‌توانند مردم را با تبلیغات دروغین به دور صندوقهای رأی گرد آورند و از آنها عکس بگیرند و به عنوان سند مشروعیت خود از آن استفاده کنند. در این رابطه روز پنجشنبه ۱۴ دیماه ابوالقاسم رئوفیان، دبیر کل حزب اصولگرای «اسلامی ایران زمین»، با مقصر دانستن دولت رئیسی قاتل و مجلس پادگانی و شورای نگهبان، اعتراف نمود که: «فضای سرد و بی رمق کنونی حاکم بر جامعه و بی انگیزه بودن درصد قابل توجهی از مردم برای مشارکت در انتخابات مجلس، معلول عملکرد دولت سیزدهم به ویژه در حوزه اقتصادی است که کارنامه غیرقابل قبولی داشته و مجلس نیز در نظارت بر عملکرد دولت ناکارآمد بوده است.» او در رابطه با شورای نگهبان هم افزود: «شورای نگهبان در دوره‌های گذشته با رد صلاحیت نامزدها مرتکب خطاهای راهبردی شده و خسارات جبران ناپذیری وارد آورده است. در این دو ماه باقی مانده هم از دولت و مجلس کاری ساخته نیست که بتوانند مردم را به سوی صندوقهای رأی روانه سازند.»

«خبر آن لاین» خبرگزاری حکومتی ایران، طی گزارشی فاش ساخت که: «کنون دیگر حتی از مشارکت ۱۸ درصدی مردم تهران در انتخابات گذشته هم خبری نخواهد بود و طبق آخرین نظرسنجی‌ها، در انتخابات پیشرو تنها ۸ درصدی مردم تهران شرکت خواهند کرد. در چنین حالتی چالش امنیتی بزرگی برای کشور پیش می‌آید و مشروعیت نظام نیز زیر سؤال می‌رود.» اخبار و نظرات منتشره در شبکه‌های اجتماعی نیز حاکی از عدم شرکت گسترده توده‌های مردم در مضحکه انتخاباتی اسفند ماه رژیم است. چنین وضعیت فزاینده باری علی خامنه‌ای را نیز به شدت نگران و وادار به عکس‌العمل هیستریک و تهدید مردم کرده است. خامنه‌ای روز چهارشنبه ۱۳ دیماه



## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت جانباختن رفیق محمد سلطانی (ایوب مدائن)

با کمال تأسف روز چهارشنبه ۲۰ دسامبر ۲۰۲۳ برابر با ۲۹ آذر ۱۴۰۲ رفیق محمد سلطانی (ایوب مدائن) از چهره های شناخته شده جنبش کمونیستی ایران در اثر بیماری سرطان قلبش از تپش باز ایستاد. رفیق محمد که قبل از قیام توده ای سال ۱۳۵۷ به مبارزه علیه رژیم دیکتاتور سلطنتی روی آورد از فعالین سازمان چریکهای فدائی خلق بود. در جریان انشعاب این سازمان در سال ۱۳۵۹ به اقلیت بخش انقلابی این سازمان پیوست و در صفوف این سازمان به فعالیت های خود در ایران و سپس در خارج از کشور ادامه داد. رفیق محمد در اوایل دهه ۹۰ به جمع رفقای هسته اقلیت پیوست و به عنوان کادر پیگیر و فعال پروژه های "اتحاد چپ کارگری" و اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست" به یکی از چهره های آشنا و محبوب احزاب، سازمانها و نیروهای جنبش چپ و کمونیستی ایران تبدیل شد. رفیق محمد با همین رویکرد پیوندهای رفیقانه و نزدیکی با حزب کمونیست ایران و کومه له داشت و در کنگره سیزدهم حزب کمونیست ایران شرکت کرد و با سخنرانی های پر شور و رفتار متواضعانه و صمیمانه اش خاطره ها از خود بجای گذاشت.

با در گذشت رفیق محمد سلطانی جنبش کمونیستی ایران یکی از کادرهای رزمنده و کارگران و زحمتکشانش ایران و جهان یکی از یاران دلسوز و پیگیر خود را از دست دادند. ما جانباختن رفیق محمد را به همسر گرامی اش سوسن، فرزندان عزیزش تاماز و پویان، به رفقای هسته اقلیت و همه بستگان و رفقا و دوستانش صمیمانه تسلیت می گوئیم.

یادش زنده و گرامی باد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۹ آذر ۱۴۰۲

۲۰ دسامبر ۲۰۲۳

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بدرود رفیق محمد سلطانی (ایوب مدائن)



متأسفانه رفیق ایوب مدائن بر اثر بیماری سرطان و در یک نبرد طولانی با این بیماری، ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه ۲۰ دسامبر برابر ۲۹ آذر ۱۴۰۲ برای همیشه ما را تنها گذاشت. رفیق محمد (ایوب) همچون یک کمونیست پیگیر و خستگی ناپذیر نزدیک به نیم سده فعالیت سیاسی داشت و همواره قلبش برای آزادی و برابری و رهایی انسان تپید. او در سال ۱۳۳۵ در شهرستان گرمی آذربایجان به دنیا آمد و فعالیت سیاسی خود را از دبیرستان علمیه تهران که فضای سیاسی پرشوری علیه دیکتاتوری سلطنتی داشت، شروع و سپس به صفوف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست. در سال ۱۳۵۸ وارد دانشگاه ادبیات و علوم انسانی شد و با دانشجویان پیشرو و در بخش محلات شرق تهران همکاری داشت. بعد در انشعاب سال ۱۳۵۹ به صفوف "اقلیت" پیوست و در سال ۱۳۶۴ مجبور به ترک ایران شد.

رفیق محمد در آغاز دهه نود میلادی به هسته اقلیت پیوست و آنها را در پروژه های "اتحاد چپ کارگری" و "اتحاد انقلابی نیروی های چپ و کمونیست" نمایندگی کرد. او در سال ۲۰۱۴ از هسته اقلیت فاصله گرفت، اما بصورت مستقل پیگیرانه تلاش خود را در راستای همگرایی نیروهای چپ و کمونیست ادامه داد. او ضمن حفظ رابطه و همراهیش با رفقای هسته، با مشارکت در کنگره ها و کنفرانس های احزاب و سازمان های انقلابی کمونیست و نیز گفتگوها و مصاحبه های تلویزیونی، تاکید خاصی روی ضرورت همکاری نیروهای چپ و کمونیست داشت و در این راستا یکی از یاران و همراهان "شورای همکاری" بود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست خاموشی رفیق محمد (ایوب) را به تمام رفقا و دوستانش، به خانواده اش مخصوصا همسرش سوسن و پسرانش تایماز و پویان و بستگانش تسلیت می گوید و خود را در غم و اندوه مرگ این رفیق فراموش نشدنی شریک می داند. بدون شک فقدان او و سخنان پرشور و اعتقاد راسخ و تزلزل ناپذیرش علیه سرمایه داری هرگز فراموش نمی شود.

### یادعزیزش گرامی و راهش پر رهرو باد!

۲۹ آذر ۱۴۰۲ - ۲۰ دسامبر ۲۰۲۳

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

پیشرو  
کوتاهای

شماره ۴۴۲  
پیشرو  
نشریه  
کومه له  
سازمان کردستان  
حزب کمونیست  
ایران  
به زبان کردی  
منتشر شد!

دبیری کومه لگوری که هر روز فعالیتهاش در میزبان نفلت